

فصل نامه علمی - تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال پنجم، شماره دهم، زمستان ۱۳۹۸

صفحات ۷۶ تا ۱۰۴

## واکاوی مسأله «حق ازدواج مهاجر» در فقه اهلیت(ع)، حقوق ایران و افغانستان<sup>۱</sup>

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>

سید محمد حسینی درّه صوفی<sup>۳</sup>

چکیده:

یکی از حقوق مهاجر، ازدواج وی با غیرمهاجر است. این حق مورد پذیرش فقه اهلیت(ع) است و کلیت آن مورد تأیید حقوق ایران و افغانستان قرار گرفته است. برای تبیین بیشتر، این سؤال مطرح شده است که ازدواج زنان مهاجر در فقه اهلیت(ع)، حقوق ایران و افغانستان چه جایگاهی دارد؟ آگاهی بخشی به

<sup>۱</sup>- تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

<sup>۲</sup>- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، نویسنده مسؤل [kariminia@quran.ac.ir](mailto:kariminia@quran.ac.ir)

<sup>۳</sup>- دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم.

مهاجرین، یافتن خلأهای قانونی و راه های اصلاح آن از اهداف این تحقیق است. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی و ابزار گردآوری آن کتابخانه ای است. مهم ترین یافته های پژوهش عبارتند از: ۱. از نظر فقه اهلیت(ع)، ازدواج مهاجر مسلمان با غیر مهاجر مسلمان جایز است؛ ۲. قوانین موضوعه مربوط به ازدواج مهاجر، با فقه اهلیت(ع) مطابقت کامل ندارد. ۳. قوانین محدود کننده برای ازدواج با غیر مهاجر، نه تنها باز دارنده نیست که بر مشکلات طرفین ازدواج افزوده است.

**واژگان کلیدی:** حق ازدواج مهاجر، ازدواج مهاجر در فقه، قانون ازواج مهاجر،

محدودیت های ازدواج مهاجر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

مهاجر آسیب پذیرترین قشر اجتماعی است. دستیابی او به حقوق برابر با دیگران از جمله حق ازدواج با مشکلات زیادی مواجه است. ازدواج مهاجر با غیر مهاجر یکی از موضوعات مهم است که مورد توجه فقه قرار گرفته است. هر کشور مهاجر پذیر، برای ازدواج اتباع خود با بیگانگان، قوانین خاصی وضع نموده است. با توجه به موضوع، مورد بحث این سؤال قابل طرح است که حق ازدواج مهاجر در فقه اهل‌بیت(ع)، حقوق ایران و افغانستان چه جایگاهی دارد؟ در جواب می توان این فرضیه را بیان کرد که حق ازدواج مهاجر، پشتوانه فقهی داشته و حقوق دو کشور اصل این حق را مورد پذیرش قرر داده اند.

دو کشور ایران و افغانستان قوانینی در این راستا وضع نموده اند. «قانون ازدواج افغانستان» توسط جمهوری اسلامی افغانستان وضع گردیده است. جمهوری اسلامی ایران نیز دو آئین نامه در این زمینه تصویب نموده است. «آئین نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیر ایرانی» و «آئین نامه ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی آواره».

تحقیقات زیادی در این موضوع انجام شده است از جمله «بررسی امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیر ایرانی» و «ازدواج مختلط اتباع ایران». نه قوانین وضع شده توسط دو کشور مزبور و نه تحقیقات انجام شده، نتوانسته اند به نحو کامل «حق ازدواج مهاجر» را تأمین نمایند. پژوهش حاضر با محدودیت های زیادی مواجه بود، از جمله فقدان منبع فقهی و حقوقی مستقل. در

هیچ یک از ابواب فقهی، بابتی تحت عنوان «حق بر ازدواج مهاجر» وجود ندارد و چنین بحثی توسط فقها انجام نشده است. حقوقدانان نیز به چنین بحثی به صورت مستقل پرداخته اند، گرچه در حقوق بین الملل خصوصی به صورت گذرا اشاراتی بدان شده است.

اهداف این پژوهش عبارتند از: ۱. آگاهی بخشی به مهاجرین در این که حق ازدواج مهاجر پشتوانه فقهی و بین المللی دارد؛ ۲. برجسته نمودن خلأ های قانونی و کاستی های که دسترسی به این حق را برای مهاجر دشوار و یا غیر ممکن ساخته است؛ ۳. متنبه ساختن قانونگذاران و حقوق دانان برای دفاع از حق بر ازدواج مهاجر.

قوانین دست و پاگیر کشورها از جمله دو کشور ایران و افغانستان نه تنها کمکی برای سازماندهی ازدواج مهاجر با اتباع داخلی نمی کند؛ بلکه مشکلات زیادی برای دو طرف ایجاد کرده است. پیشنهاد این پژوهش انطباق قوانین مزبور با فقه اهلیت(ع) است؛ به این شکل که در جا مشکل فقهی برای ازدواج نبود، قوانین مانع تراشی نکند. تحقیقی با عنوان «حق ازدواج مهاجر در فقه اهلیت و حقوق ایران و افغانستان» که صورت تطبیقی به موضوع پرداخته باشد؛ تاکنون به زبان فارسی انجام نشده است. لذا این پژوهش از این جهت، در نوع خود منحصر به فرد است.

تلاش این قلم بر آن بود تا ابتدا به بررسی فقهی این مسأله پرداخته شود و گستره دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام در مورد حق ازدواج مهاجر به اثبات برسد. در

قدم بعدی ضمن بررسی حقوقی، موانع و محدودیت‌هایی که در قوانین موضوعه دو کشور موجود است، شناسایی و برجسته گردد؛ تا این امکان فراهم گردد که نسبت به رفع موانع و محدودیت‌ها اقدام مناسب صورت پذیرد.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. ازدواج

ازدواج در لغت از ریشه «ز، و، ج» گرفته شده است. «زوج» در لغت به معنای جفت در مقابل فرد است و به هر یک از دو چیز همراه و قرین به هم از مذکر و مؤنث گفته می‌شود؛ انسان باشند یا حیوان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۴). گاه گفته شده: زوج عبارت است از همراه شدن چیزی با چیز دیگر، مثل این که زن زوجه مرد، و مرد زوج همسر خود می‌باشد (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۳۵).

ازدواج در اصطلاح، قراردادی است مشروع، میان دو فرد ناهم‌جنس که پیوند زناشویی را برای طرفین مجاز می‌شمارد (بستان، ۱۳۸۵، ص ۱۸) و برای هر یک حقوق و تکالیفی را معین می‌سازد؛ به عبارت دیگر، ازدواج، همسر گرفتن مرد یا زن است که به سبب عقد ازدواج همراه با شرایط آن تحقق می‌یابد (هاشمی شاهرودی و همکاران، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۶۳).

### ۲-۱. حق

«حق» در لغت مقابل «باطل» استعمال شده است. چیزی که ثابت، قطعی و پذیرفته شده باشد (فیومی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۸). لغت شناس دیگری، حق را به معنای

استحکام و صحت شیء گرفته و آن را نقیض باطل دانسته است. اگر حقیقت  
دعوای روشن گردد و طبق مدارک و شواهد یکی از طرفین بر دیگری غالب شود  
می گویند حق آشکار شد(ابن فارس، ۱۳۹۹هـ ج ۲، ص ۱۵). در یک جمع بندی  
می توان این گونه اظهار نمود که حق در لغت عبارت است از ثابت و استوار بودن  
یک چیز با این قید که مطابق واقع هم باشد(مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۲۶۲).

حق در اصطلاح علم حقوق عبارت است از قدرت قانونی یک فرد انسانی بر فرد  
دیگر(جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱، ص ۱۵). در اصطلاح فقه به معنای سلطه ضعیف  
بر مال و منفعت به کار رفته است(نائینی، ۱۴۱۸، ص ۱۰۶).

### ۳-۱. پیشینه حق ازدواج

ازدواج با آفرینش جهان خلقت پیوند خورده است و یک امر فطری و غریزی می  
باشد. طبق روایتی خداوند حوا را خلق کرد و دید که حضرت آدم علیه السلام  
نسبت به او علاقه نشان می دهد و می خواهد با او باشد. خداوند پرسید آیا می  
خواهی با همدیگر باشید و به هم عشق بورزید و محبوب هم باقی بمانید؟

آدم جواب داد: بله. پس او را از من خواستگاری کن(صدوق، ۱۴۰۱، ج ۳، ص  
۲۲۹). این گونه بود که اولین ازدواج انسانی در عالم هستی شکل گرفت.

در این که ازدواج به عنوان یک حق در تاریخ بشر ثبت شده است، جای بحث  
ندارد. هر انسانی حق دارد برای بقای نسل خود و رفع خواسته های خود، همسری  
داشته باشد. تمام ادیان بر اهمیت این حق، تأکید کرده اند.(نحل: ۷۲)

بعد از هجرت مسلمانان از مکه به مدینه، ازدواج مهاجران با غیرمهاجر، یک امر عادی بود. در هیچ جای تاریخ صدر اسلام نیامده که مسلمانان مهاجر از ازدواج با مسلمانان غیرمهاجر، طبق فرمایش رسول اکرم(ص) منع شده و یا قوانین سخت گیرانه وضع شده باشد.

#### ۴-۱. ماهیت حق ازدواج

حق ازدواج از حقوقی است که ماهیت چند گانه دارد. از یک سو، به عنوان یک حق طبیعی و فطری در نظر گرفته می شود؛ زیرا این غریزه نه تنها در انسان، که در وجود بسیاری از حیوانات و گیاهان قرار داده شده است که تمایل به جنس مخالف دارند و قرآن کریم هم این مسأله را این گونه تأیید می فرماید: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» (ذاریات، ۴۹)، و از هر چیز، دو جفت آفریدیم». هر چند زوجیت در هر چیزی متناسب با عناصر وجودی خودش در نظر گرفته می شود و خواسته ها و تمایلاتش متفاوت می باشد. قطعاً زوجیت درختان متفاوت با انسان است.

از سوی دیگر، ازدواج را در زمره حقوق مدنی قرار داده اند. زیرا اساس مدنیت و تمدن بشری بر حق ازدواج بنا نهاده شده است. ازدواج از حقوقی است که هر فردی با در نظر داشت شرایطی، می تواند از آن بهره مند شود. مهاجر یکی از قشرهای آسیب پذیر جامعه بشری محسوب شده، که در مقایسه با غیرمهاجر، برای برخورداری از این حق، با محدودیت های مواجه است.

#### ۲. حق ازدواج در فقه اهل بیت(علیهم السلام)

ازدواج یکی از مباحث مهم فقهی است که گسترده‌اش تمام بشریت را در برمی‌گیرد و در این مسأله، فرقی بین مهاجر و غیرمهاجر نیست. برای روشن شدن بحث و این که یکی از حقوق مهم مهاجر، ازدواج با غیرمهاجر است، بحث فقهی در اقسام مختلف ازدواج بررسی می‌شود. ازدواج گاهی بین مسلمان و غیرمسلمان واقع می‌شود؛ گاهی بین مسلمان با مسلمان دیگر که این هم یا بین پیروان یک مذهب است، یا بین پیروان دو مذهب. ادامه بحث به توضیح اقسام مختلف ازدواج (به لحاظ دین و مذهب) اختصاص داده شده است.

## ۱-۲. ازدواج مسلمان با غیرمسلمان

غیرمسلمان از یک لحاظ بر دو نوع است:

۱. غیرمسلمان اهل کتاب مثل پیروان حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام که دارای کتاب آسمانی هستند. کتاب مقدس آنان، تورات و انجیل است. بررسی آیات مربوط و شأن نزول آنها نشان می‌دهد که یهود و نصارا، مصداق روشن اهل کتاب از منظر قرآن‌اند. اهل کتاب بودن صابئیان و مجوسیان هیچ مستند قرآنی ندارد و فقط یادکرد آنان در کنار یهود و نصارا، در قرآن کریم (سوره حج: آیه ۲۲) باعث شده است که چنین اشتباهی روی دهد.

۲. غیرمسلمانی که پیرو هیچ یک از شرایع آسمانی نمی‌باشند که اصطلاحاً «غیرمسلمان غیراهل کتاب» نامیده می‌شوند. فرقی نمی‌کند مشرک و بت پرست باشند یا این که معتقد به هیچ خدایی نباشند؛ مانند کمونیست‌ها.



## ۲-۲. ازدواج مسلمان با کافر غیر اهل کتاب

فقه اهل بیت(علیهم السلام) چنین ازدواجی را منع نموده است. قرآن کریم می‌فرماید: «با زنان مشرک و بت پرست تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید!» (بقره، ۲۲۱).

صراحت قرآن، هیچ تردیدی در این که ازدواج با غیر اهل کتاب جایز نیست، باقی نمی‌گذارد. به همین جهت، فقهای اهل بیت(علیهم السلام) حکم به حرام بودن چنین ازدواجی داده‌اند. با این تفاوت که ازدواج زن مسلمان را حتی با اهل کتاب نیز ممنوع می‌دانند ( مروارید، ۱۴۱۰، ج ۱۸، ص ۷۶). سیدمرتضی می‌گوید: اختلافی بین امت مسلمان وجود ندارد که ازدواج زن مسلمان با (مرد) کافر جایز نیست (شریف مرتضی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۷). فقیه دیگری بیان می‌دارد که: «ازدواج زن مسلمان با هیچ‌یک از اقسام سه‌گانه کافر اهل کتاب جایز نیست و در این حکم اختلافی بین مسلمانان نیست» (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۹۱).

در مورد ازدواج مرد مسلمان با زن مشرک آمده است که: «مرد مسلمان حق ندارد با زن غیرمسلمان مشرک از هر صنفی که باشد ازدواج نماید» (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۴۵۷). فقیه دیگری می‌فرماید: «ازدواج مرد مسلمان با کافر غیر کتابی جایز نیست و این حکم میان امت اسلامی اجماعی است» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۲۰). اندیشمند دیگری بیان می‌دارد که: «نص و اجماع دلالت دارند بر این که، ازدواج مرد مسلمان با زن کافر غیر کتابی حرام است» (حلی (فخر المحققین)، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۱).

از مجموع نظرات فقهای اهل بیت(علیهم السلام) این نتیجه حاصل می‌گردد که ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمان که اهل کتاب نیست و ازدواج زن مسلمان با تمام غیرمسلمانان حرام بوده و شرعاً جواز ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۰، ص ۲۷؛ خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۵۶؛ اراکی، ۱۳۷۲، ص ۴۴۴؛ موسوی خویی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۲۶۳-۲۶۵؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۴۷؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۳۰۶-۳۶۰).

این حکم اولی است که اگر مرد مسلمانی دسترسی به زن مسلمان از طریق ازدواج داشته باشد؛ نباید با زنان مشرک ازدواج نماید. حکم ثانوی مسأله می‌تواند متفاوت باشد، به این شکل که اگر مرد مسلمانی با داشتن عذر شرعی، در کشور غیر اسلامی زندگی نماید و به زن مسلمان دسترسی نداشته باشد، به نحوی که ممکن است به گناه بیفتد، در این صورت، با استناد به «قانون لآخرَج»، می‌تواند با زن کافر غیر کتابی ازدواج نماید (کلانتری، ۱۳۹۵، ص ۱۲۶). در مجموع این حکم؛ تفاوتی میان مهاجر و غیر مهاجر نیست.

### ۳-۲. ازدواج مرد مسلمان با کافر اهل کتاب

در ازدواج مرد مسلمان با کافر کتابی، میان فقهای اهل بیت(علیهم السلام)، اختلاف نظر است و تا شش نظریه متفاوت اظهار شده است:

۱. حرمت ازدواج (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۰۰؛ م بغدادی، ۱۴۱۵، ص ۱۴۷)؛ ۲. جواز ازدواج موقت در حال اختیار و جواز دائم در حال اضطرار (محمد بن حسن طوسی،

۱۴۰۰، ص ۲۵۷؛ ۳. حرام بودن ازدواج مطلقاً چه دائم و چه موقت (محقق کرکی ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۲)؛ ۴. جواز ازدواج موقت و حرمت نکاح دائم (ابن زهره، ۱۷۵، ص ۳۴)؛ ۵. حرمت ازدواج چه دائم و چه موقت در حال اختیار و جواز در حال اضطرار (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، فقه، ج ۷، ص ۶)؛ ۶. جایز بودن ازدواج چه دائم و چه موقت، هم در حال اختیار و هم اضطرار (صدوق، ۱۴۱۵، ص ۳۳۹؛ مغنیه، ۱۴۲۱، ص ۳۱۵).

نتیجه ای که می توان از مجموع نظرات به دست آورد، این است می توان با زن کافر کتابی به صورت موقت ازدواج نمود و در این مورد، اختلاف زیادی وجود ندارد و نظرات قابل جمع است (حلی، ۱۴۰۵، ص ۴۳۲؛ مروارید، ۱۴۱۰، ج ۱۹، ص ۵۵۴).

در مورد ازدواج دائم مرد مسلمان با زن کافر اهل کتاب، بین فقهای اهل بیت (علیهم السلام) نظرات مختلفی عنوان شده که قابل جمع نمی باشند؛ هر چند فقیه نواندیش، شهید مرتضی مطهری بر این عقیده است که ازدواج دائم حرام است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۷، ص ۲۲۲). این احکام بر همه مسلمین اعمال می گردد، و فرقی بین مهاجر و غیرمهاجر وجود ندارد. مهاجر مسلمان حق دارد با زن کافر کتابی ازدواج موقت داشته باشد.

#### ۴-۲. ازدواج مسلمان با مسلمان

هر مسلمان مؤمن از پیروان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) حق دارد با مسلمان مؤمن ازدواج نماید. در این حکم، هیچ تردیدی وجود ندارد (در مورد ازدواج زن شیعه با مرد سنی، میان فقهای اهل‌بیت (علیهم‌السلام) اختلاف نظر وجود دارد. طبق نظر مشهور، اگر خوف این وجود داشته باشد که با این ازدواج، اعتقادش به مذهب شیعه از بین برود، جایز نیست (یوسف بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۴، ص ۵۳؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۳۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۴۰۱)؛ هرچند نویسنده کتاب «فقه الصادق» نظری دیگری دارد. این فقیه، در این کتاب، هفت دلیلی که توسط فقهای مخالف ازدواج شیعه و سنی عنوان شده‌اند را ذکر کرده و پس از بررسی تک‌تک ادله، هرکدام را جداگانه رد می‌کند و در آخر نتیجه می‌گیرد که ازدواج زن شیعه با مرد سنی غیرناصبی مکروه است، نه حرام (روحانی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۴۷۴-۴۶۹). محمدحسن نجفی صاحب جواهر هم، چنین ازدواجی را جایز می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۰، ص ۱۰۲). از این حکم کلی، نواصب که با اهل‌بیت (علیهم‌السلام) پیامبر دشمنی می‌ورزند، خارج می‌شود و ازدواج با نواصب حرام است (مفید، ۱۴۱۵، ص ۵۰۱؛ روحانی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۴۷۴). هم چنین غلاتی که در حق ائمه (علیهم‌السلام) مرتکب غلو و زیاده روی می‌شوند، ازدواج با آنان شرعاً ممنوع است (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۰۵)؛ زیرا این دو دسته در حقیقت از حکم اسلام خارج می‌باشند. کسی که اهل‌بیت پیامبر(ص) را دشمن دارد، کافر است (روحانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۷۴؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۳۵) و یا

کسی که مقام ائمه دین را در حد خدا بالا ببرد، مسلمان نیست (صدوق، ۱۴۱۴، ص ۹۷؛ دفتر تبلیغات اسلامی، فقه، ج ۷، ص ۲).

در مورد ازدواج شیعه و سنی، بین فقهای جهان اسلام اختلاف نظر وجود دارد. اختلافی بودن ازدواج زن شیعه با مرد سنی مختص به مکتب اهل بیت(علیهم السلام) نیست. سایر مذاهب اسلامی نیز در مورد ازدواج شیعه با سنی اختلاف نظر دارند:

۱. عدّه‌ای به صراحت حکم به حرمت می‌دهند (ملتقی اهل الحدیث، آرشیو ملتقی اهل الحدیث، ج ۱۲۹، ص ۳۴۶؛ الموقع الرسمي لابن باز، «حکم زواج السنه من الشیعه»، تاریخ مراجعه، ۱۳۹۷/۵/۲)؛ ۲. دسته‌ای دیگر هرچند تحریم نمی‌کنند؛ اما از آن جا که ممکن است به علّت اختلافات اعتقادی در ادامه زندگی دچار مشکل شوند، چنین ازدواجی را توصیه نمی‌کنند (سایت اسلام آنلاین به نقل از یوسف قرضاوی، «زواج السنیه من شیعی»، تاریخ مراجعه ۱۳۹۷/۵/۲)؛ ۳. برخی نیز جایز می‌دانند (دائرة الشئون الاسلامیه و العمل الخیری بدبی «حکم زواج السنیه من شیعی»، تاریخ مراجعه ۱۳۹۷/۵/۲).

از جمله شیخ علی جمعه مفتی سابق مصر و رئیس فعلی جامعه‌الازهر که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرجع دینی اهل سنت معتدل و میانه‌رو است، معتقد است که: «ازدواج شیعه با زن سنی و مرد سنی با زن شیعه جائز است؛ چون که هر دو طرف مسلمانند» (المصری الیوم، «بالفیدیو... علی جمعه: یجوز زواج الشیعی من السنیه؛ و مصافحه الصبیان للبنات»، تاریخ مراجعه ۱۳۹۷/۴/۲).

ازدواج مهاجر مسلمان شیعه با زن شیعه غیر مهاجر و بالعکس به لحاظ فقهی جایز است. در این مورد، بین فقهای اهل بیت اختلافی وجود ندارد.

اثبات حق ازدواج مهاجر نیاز به دلیل مستقلی ندارد؛ زیرا ادله ازدواج مسلمان با مسلمان شامل حق ازدواج مهاجر نیز می شود. از آن گذشته، سیره رسول اکرم(ص) بر تأیید چنین ازدواجی بوده است. تعداد زیادی از صحابه مهاجر رسول خدا(ص) با انصار ازدواج نموده اند. ازدواج بین مهاجرین و انصار در عصر پیغمبر اکرم(ص) یک امر عادی و شایع بود.

### ۳. حق ازدواج مهاجر در حقوق ایران و افغانستان

حقوق ایران و افغانستان، هرکدام در مورد حق ازدواج مهاجر، رویکرد خاص خود را دارند. قبل از ورود به اصل بحث، نخست رابطه بین ازدواج و تابعیت بررسی می گردد.

#### ۳-۱. رابطه ازدواج با تابعیت به لحاظ حقوقی

حق ازدواج مهاجر به این معناست که شخص مهاجر در هر کشوری حق داشته باشد تا با فرد مورد علاقه خود ازدواج نماید. این ازدواج گاهی با فردی است که به لحاظ حقوق موضوعه، تابعیت دیگری دارد، مثل ازدواج یک مهاجر عراقی در داخل کویت با یک کویتی که هرکدام تابعیت‌های متفاوتی دارند. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، منشأ بهره‌مند شدن از حقوق و مزایا در یک کشور این است که فرد از اتباع آن محسوب گردد.

در مورد مهاجری که با غیرمهاجر ازدواج می‌کند، این بحث مطرح می‌شود که آیا تابعیت یکی بر دیگری تحمیل شود تا منجر به وحدت تابعیت گردد، یا این که هرکدام می‌توانند تابعیت خود را حفظ نمایند؟ در این باره، سه نظریه مطرح است:

۱. وحدت تابعیت: به این معنا که در مثال سابق، زن عراقی بعد از ازدواج با تبعه کویتی، تابعیت سابق خود را از دست می‌دهد و به تابعیت شوهر خود درمی‌آید، تا منجر به وحدت تابعیت زن و شوهر گردد (نصیری، ۱۳۸۸، ص ۴۰).

این نظریه از یک سو باعث می‌شود که زن از حقوق و امتیازات کشور محل سکونت خود بهره‌مند گردد؛ اما از سوی دیگر، نوعی اجبار بر ترک تابعیت فرد است که با حق آزادی سازگار نیست. مشکل دیگر این نظریه آن است که اگر قانون دولت متبوع زن، به او اجازه کسب تابعیت دولت خارجی را از طریق ازدواج با مرد خارجی ندهد، منجر به ایجاد تابعیت مضاعف برای زن خواهد شد (عابدین، ۱۳۸۷، ص ۳۴۱) و تابعیت مضاعف، مشکلات حقوقی زیادی به بار می‌آورد.

در آخر این که این نظریه، که نتیجه‌اش تحمیل تابعیت زوج ایرانی بر زن غیر ایرانی است، با اصل چهل و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که کسب تابعیت ایران توسط اتباع خارجه را یک امر اختیاری می‌داند، مغایرت دارد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۲۴ آبان ۱۳۵۸، اصل ۴۲).

افغانستان طی اعلامیه‌ای به وزارت امور خارجه ایران اعلام نموده که تابعیت خود را بر زنان خارجی تحمیل نمی‌کند، تنها ایران طرفدار تحمیل تابعیت مرد ایرانی بر زن خارجی است (ارفع نیا، ۱۳۸۷، ص ۸).

۲. استقلال تابعیت: اصل این است که هر فردی تابعیت خود را حفظ کند مگر این که خود، خواهان تغییر آن باشد (نصیری، ۱۳۸۸، ص ۴۴). طرفداران این نظریه معتقدند که ازدواج با موضوع تابعیت، متفاوت است. زن بر اثر ازدواج، تابعیت خود را از دست نمی‌دهد، مگر این که خود خواهان آن باشد (ارفع نیا، ۱۳۸۷، ص ۹).

۳. نظریه نسبی یا ترکیبی: در این نظریه، زن تبعه خودی، که با تبعه خارجی ازدواج می‌کند، تا زمانی که به خارج از کشور برای اقامت نرفته، تابعیت اصلی خود را حفظ می‌کند و با خروج از کشور برای اقامت دائم، تابعیت اصلی او سلب می‌شود و تابعیت کشور متبوع شوهر را کسب می‌کند (ارفع نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۱). در مثال زن عراقی که با مردی از اتباع کویت ازدواج کرده، تا زمانی که وارد کویت نشده، تابعیت اصلی کشور خود را دارد و بعد از ورود به کویت برای زندگی، تابعیت کویت را کسب می‌کند. طبق این نظریه اگر دولت کویت تابعیت مرد کویتی را بر زن عراقی تحمیل نکند، زن عراقی در کشور خود همچنان تابعیت عراق را خواهد داشت، اما اگر قانون کویت طرفدار وحدت تابعیت باشد، تابعیت زن عراقی در عراق سلب می‌گردد و زن تنها تابعیت کویت را خواهد داشت (ارفع نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۱).

### ۲-۳. حق ازدواج مهاجر در حقوق ایران

قوانین داخلی ایران اصل ازدواج مسلمان با تبعه ایرانی را پذیرفته؛ اما محدودیت‌هایی اعمال نموده است. به علت اهمیت بحث، هریک از دو جنسیت زن و مرد، جداگانه از منظر قوانین ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.



### ۱-۲-۳. حق ازدواج زن مهاجر

هر زن تبعه غیرایرانی از جمله مهاجر می‌تواند در داخل ایران با اتباع ایرانی (آئین‌نامه ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی آواره، مصوب ۱۳۸۱/۰۲/۱۷، ماده ۱) یا غیر ایرانی ازدواج نماید. اصل این حق، جای بحث نیست؛ اما محدودیت‌هایی در مورد این حق ازدواج نسبت به جنسیت زن وجود دارد که در ادامه بیان شده است.

### ۲-۲-۳. محدودیت‌ها

بجز ممنوعیت‌هایی که در فقه بیان شده که اختصاص به مهاجر ندارد، در قوانین ایران محدودیت‌های دیگری نیز بیان گردیده است:

الف) طبق قوانین ایران، اگر زن خارجی با مرد ایرانی به صورت قانونی (بهشید ارفع نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۲) ازدواج نماید، تابعیت ایران بر او تحمیل شده و زن به تابعیت ایران درمی‌آید (قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸، ماده ۹۷۶، بند ۶). در این صورت، اگر زن به تابعیت جدید راضی باشد، مشکلی به وجود نمی‌آید؛ اما اگر به هر دلیلی راضی نباشد، همان‌گونه که قبلاً در نظریه «وحدت تابعیت» بیان شد، چندین مشکل حقوقی به وجود می‌آید: ۱. تحمیل تابعیت خلاف حق آزادی است؛ ۲. در برخی موارد، موجب تابعیت مضاعف می‌شود؛ ۳. با اصل ۴۲ قانون اساسی ایران منافات دارد؛ ۴. با برخی از قوانین بین‌المللی منافات دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، در ماده ۱۵ چنین می‌گوید: «احدی

را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود محروم کرد». در ماده ۱، کنوانسیون مربوط به زنان متأهل چنین آمده است: «ازدواج تأثیری بر تابعیت ندارد»

در بند یک از ماده هجدهم کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی، این گونه مقرر شده است: دولت‌های عضو، به زنان حقوق مساوی با مردان در زمینه کسب، تغییر و یا حفظ تابعیت می‌دهند، مخصوصاً دولت‌ها باید اطمینان دهند و تضمین کنند، که نه ازدواج زن با یک مرد خارجی و نه تغییر تابعیت شوهر، در طی دوران ازدواج، خود بخود، موجب تغییر تابعیت زن، بی‌تابعیت شدن او یا تحمیل تابعیت شوهر بر او نمی‌شوند.

کاملاً مشخص است که مفاد این کنوانسیون، در قوانین ایران، مورد قبول واقع نشده است؛ اگرچه ایران به کنوانسیون مذکور پیوسته و آن را مورد تصویب قرار داده است.

ب) زن تبعه خارجی که قرار است با مرد ایرانی ازدواج نماید، باید کارت شناسایی یا مدرک معتبر دیگری داشته باشد و به صورت غیرقانونی در ایران زندگی نکند (آئین‌نامه ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی آواره، مصوب ۱۳۸۱/۰۲/۱۷، ماده ۱).

این که ازدواج زن مهاجر را منوط به داشتن مدرک شناسائی نموده، چندان با آموزه‌های فقهی هماهنگ نیست. مضافاً به این که این قانون، باعث سلب حق ازدواج شده و با قوانین بین‌المللی نیز ناسازگار است: «احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود محروم کرد» (اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸،

ماده ۱۵). نیز در ماده یک کنوانسیون مربوط به زنان متأهل، آمده است: «ازدواج تأثیری بر تابعیت ندارد».

ج) ازدواج زن تبعه خارجی با بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی ایران، متوقف به اجازه مخصوص دولت ایران است (قانون مدنی ایران، ماده ۱۰۶۱).

این شرط نیز مثل شرط سابق، نسبت به بسیاری از بانوان مهاجر، سالب حق ازدواج است. ضمن این که با دستورات فقهی و اسناد بین المللی مطابقت ندارد. طبق بند سوم از ماده ۲۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی: «حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند، به رسمیت شناخته می‌شود». این میثاق بین المللی مورد تأیید ایران است، اما در عمل، چندان بدان پایبند نبوده است.

### ۳-۲-۳. ازدواج مرد مهاجر با زن غیر مهاجر

اصل چنین ازدواجی در قوانین ایران مورد قبول واقع شده و این گونه مقرر شده است که: «به وزارت کشور اجازه داده می‌شود پروانه اجازه زناشویی بانوان ایرانی را با اتباع بیگانه، با رعایت مقررات این آئین‌نامه، صادر نماید» (آئین‌نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیر ایرانی مصوب ۱۳۴۵/۷/۶، ماده ۱). بنابراین، قوانین ایران حق ازدواج برای مهاجر را پذیرفته است، اما محدودیت‌هایی اعمال نموده که در ادامه بررسی شده است.

#### ۴-۲-۳. محدودیت‌ها

در آئین نامه‌های مربوطه، محدودیت‌های زیادی وضع شده است که بسیاری از آنها مبنای فقهی دارند و قبل از ازدواج ضروری می‌باشند؛ مثل: تحقیقاتِ اولیّه در مورد شخصیت طرف، خانواده‌اش، سوابق و سایر موارد. با این تفاوت که این تحقیقات در بین اتباع یک کشور توسط خانواده‌ها انجام می‌شود، اما در بین اتباع دو کشور، توسط نمایندگی‌های سیاسی طرفین انجام می‌گیرد. برخی از این محدودیت‌ها می‌تواند به عنوان شرط ضمن عقد، گنجانده شوند که ربطی به مهاجر بودن فرد ندارد و جنبه عمومی دارد.

دو مورد از مهم‌ترین موانع قانونی در مقابل حق ازدواج مهاجر عبارت‌اند از:

۱. ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه، مؤکول و متوقّف به اجازه مخصوص از دولت ایران است (قانون مدنی ایران، ماده ۱۰۶۰). براساس این شرط، چنان چه مرد مهاجر، بدون اجازه دولت، اقدام به ازدواج با بانوی ایرانی نماید، مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد. این شرط، مشکلاتی زیادی را برای مهاجران به دنبال دارد؛ زیرا تحصیل اجازه دولت، کار آسانی نیست و فرایند پیچیده‌ای دارد. جدای از این فرایند و مراحل، برای برخی از مهاجران تحصیل این شرط عملاً غیرممکن است.
۲. هر فرد خارجی که بدون اخذ اجازه مذکور، در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و یا برخلاف سایر مقررات قانونی، با زن ایرانی ازدواج نماید، «به حبس تعزیری درجه پنج (قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲ ماده ۱۹: حبس بیش

از دو تا پنج سال» محکوم می‌گردد» (قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱، ماده ۵۱).

عدم رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ایران به معنای بطلان نکاح نیست، در صورتی که فرد مهاجر، بدون اجازه دولت ایران، با عقد نکاح پیوند زناشویی برقرار نمایند، عقد نکاح صحیح است (مجموعه‌ی نظریه‌های مشورتی قبل از ۱۳۸۵، ص ۹۸).

بنابراین، ازدواج مهاجر با بانوی تبعه ایران مجاز است، مگر در موارد محدودی که دولت ایران ازدواج اتباع خارجی را با اتباع ایرانی، به مقاصد امنیتی و سیاسی ممنوع نموده باشد (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۹۸).

### ۳-۳. حق ازدواج مهاجر در قوانین داخلی افغانستان

قوانین داخلی افغانستان برای ازدواج مهاجر و تبعه خارجه، وضعیت مناسبی را فراهم نموده است. در این زمینه، به لحاظ قانونی، نه تنها محدودیتی وجود ندارد، که از جهات مختلف مورد حمایت قرار می‌گیرد. در صورتی که یکی از زن و مرد یا هر دو، تبعه دولت خارجه باشند و در افغانستان اقامت داشته باشند، با نبود موانع شرعی، عقد نکاح جاری شده و عقدنامه رسمی و قانونی صادر می‌گردد (قانون ازدواج افغانستان، ماده ۲۳). اگر فردی در خارج از افغانستان با اتباع افغانستانی ازدواج نماید، با مراجعه به نمایندگی‌های سیاسی افغانستان (سفارت یا کنسول) که در محل ازدواج آنان مستقر است، می‌تواند عقدنامه قانونی دریافت نمایند (قانون ازدواج افغانستان، ماده ۲۳).

قانون تابعیت افغانستان، علاوه بر این که اصل ازدواج مهاجر را با اتباع افغانستان پذیرفته، مقرر می‌دارد: «هرگاه تبعه خارجی با تبعه امارات اسلامی افغانستان مطابق شریعت اسلام ازدواج نماید، با رعایت حکم ماده هفتم این قانون (منع تابعیت دوگانه)، بعد از درخواست تحریری مبنی بر مطالبه تابعیت افغانستانی، تابعیت وی پذیرفته شده می‌تواند». (قانون تابعیت امارات اسلامی افغانستان، ماده ۱۸).

قوانین داخلی افغانستان؛ نه تنها ازدواج اتباع خارجی شناخته شده را با اتباع خود، مجاز می‌داند که ازدواج افراد فاقد تابعیت را نیز با اتباع خود تجویز می‌نماید و از این طریق، چتر حمایتی خود را بر سر آنان گسترانده و به آنان تابعیت افغانستان اعطا می‌گردد (قانون تابعیت امارات اسلامی افغانستان، ماده ۱۹).

### نتیجه گیری

فقه اهل بیت(علیهم السلام) در مورد ازدواج محدودیت‌هایی اعمال نموده، و ازدواج زن مسلمان را با کافر به صورت مطلق ممنوع نموده است. این ممنوعیت در قوانین ایران و افغانستان نیز لحاظ گردیده است. در قانون مدنی ایران آمده که «نکاح مُسَلِّمَه با غیر مُسَلِّم جایز نیست» و در ماده ۲۲ قانون ازدواج افغانستان آمده: «زن مسلمان افغان نمی‌تواند با غیر مسلمان ازدواج کند». در فقه اهل بیت(علیهم السلام) ازدواج مرد مسلمان با زن کافر غیر کتابی نیز ممنوع است، اما در قوانین موضوعه دو کشور، چنین ممنوعیتی وجود ندارد. در فقه اهل بیت(علیهم السلام) و فقه عام مذاهب، در مورد ازدواج شیعه و سنی اختلاف نظر وجود دارد. برخی جایز می‌دانند و برخی با شرایطی جایز و عده دیگر منع می‌کنند، اما در قوانین موضوعه دو کشور،

فقط ازدواج زن مسلمان با غیرمسلمان منع شده است و در سایر موارد، منع قانونی وجود ندارد. هر مسلمانی چه مهاجر و چه غیرمهاجر، زن باشد یا مرد می‌تواند با مسلمانی دیگری به صورت شرعی ازدواج نماید؛ هر چند مقید شدن به عقد شرعی نوعی اِحاله دادن به فقه است که دوباره همان اختلاف نظرها برمی‌گردد.

قوانین افغانستان در مورد حق ازدواج مهاجر، نسبت به قوانین ایران برتری دارد و محدودیت‌های موجود در قوانین ایران را ندارد. طبق قوانین افغانستان هر مهاجر و تبعه خارجه، حق دارد طبق احکام شریعت، با تبعه افغانستان ازدواج نماید؛ در حالی که در قوانین ایران، محدودیت‌هایی اعمال می‌گردد؛ از قبیل: اجازه رسمی از دولت، داشتن مدرک معتبر، حبس و زندانی شدن در صورت عدم اخذ اجازه، تحمیل تابعیت ایرانی بر زن خارجه.

طبق قوانین ایران، اگر زن ایرانی با مرد خارجه ازدواج نماید، به کودکان متولد شده از آنان، تا قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی، شناسنامه ایرانی داده نمی‌شود، در حالی که طبق قوانین افغانستان اگر تبعه خارجی با تبعه افغانستان ازدواج نماید و کودک در داخل افغانستان متولد شود یا در خارج، نه تنها به خود کودک تابعیت اعطا می‌گردد، که به مرد خارجه ی پدر کودک مذکور نیز در صورت درخواست وی، تابعیت افغانستان داده می‌شود. طبق قوانین ایران اگر زن غیر ایرانی با مرد ایرانی ازدواج نماید، زن خارجی به صورت خودکار تابعیت قبلی خود را از دست می‌دهد و به تابعیت ایران درمی‌آید، در حالی که بر اساس قانون افغانستان، تغییر تابعیت اختیاری است و تابعیت شوهر افغانستانی بر زن غیر افغانستانی تحمیل نمی‌گردد.

طبق قوانین ایران ازدواج با زن تبعه ایرانی بدون اجازه دولت، جرم محسوب می‌گردد و از دو تا پنج سال حبس دارد، در حالی که کسب اجازه به این شکل و مجازاتی که پیامد عدم اجازه است، در قانون افغانستان تعریف نشده است. مضافاً به این که کسب اجازه از دولت و مجازات مربوطه، مبنای فقهی ندارد.

## منابع

قرآن کریم

ابن باز، «حکم زواج السنه من الشيعه»، ملتقى اهل الحديث، آرشیف ملتقى اهل الحديث، ج ۱۲۹، ص ۳۴۶؛ الموقع الرسمي لابن باز، تاريخ المراجعة، ۱۳۹۷/۵/۲،

[binbaz.org.sa/](http://binbaz.org.sa/)

اراکي، محمد علی، (۱۳۷۲)، توضیح المسائل، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم.

ارفع نیا، بهشید، (بهار و تابستان ۱۳۸۷) «ازدواج مختلط اتباع ایران»، تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۳.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م.

ایمانی یابینی، محسن؛ صادقی، محمود؛ عبدی، فاطمه، (زمستان ۱۳۹۰ هـ ش). «بررسی امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیر ایرانی»، مطالعات راهبردی زنان، ۵۴.



آئین نامه ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی آواره، مصوب ۱۳۸۱/۰۲/۱۷ هـ ش

آئین نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیر ایرانی، مصوب ۱۳۴۵/۷/۶

بحرانی، یوسف، (۱۴۰۵ هـ ق) حدائق الناظره، قم، موسسه نشر اسلامی.

بستان، حسین، (۱۳۸۵ هـ ش)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۱) مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش.

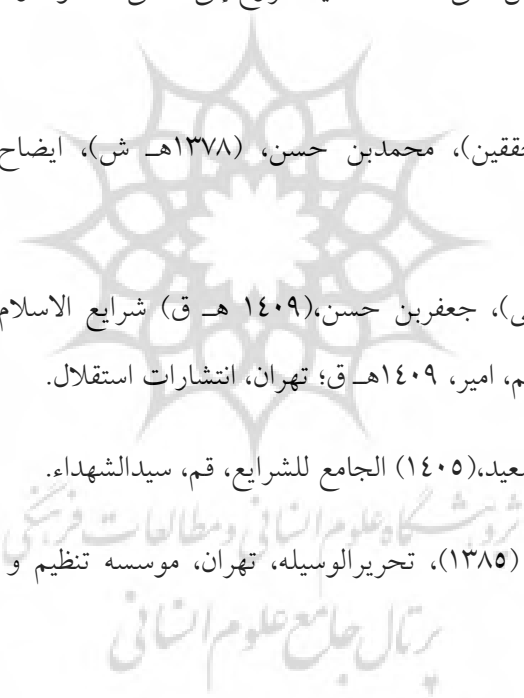
ابن زهره، حمزه بن علی، (۱۳۷۵) غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع، قم، امام صادق.

حلی (فخر المحققین)، محمدبن حسن، (۱۳۷۸ هـ ش)، ایضاح الفوائد، قم، اسماعیلیان.

حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن، (۱۴۰۹ هـ ق) شرایع الاسلام، تحقیق سید صادق شیرازی، قم، امیر، ۱۴۰۹ هـ ق؛ تهران، انتشارات استقلال.

حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵) الجامع للشرایع، قم، سیدالشهداء.

خمینی، روح الله، (۱۳۸۵)، تحریر الوسیله، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.



خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰) منهاج الصالحین، قم، انتشارات مدینه العلم.

دائرة الشؤون الاسلامیه و العمل الخیری بدبی «حکم زواج السنیه من شیعی»، تاریخ  
مراجعه ۱۳۹۷/۵/۲، [rvices.iacad.gov.ae/SmartPortal](http://rvices.iacad.gov.ae/SmartPortal)

روحانی، محمد صادق، فقه الصادق، قم، دارالکتاب، ۱۴۱۴ هـ.ق.

سایت اسلام آنلاین به نقل از یوسف قرضاوی، «زواج السنیه من شیعی»، تاریخ  
مراجعه ۱۳۹۷/۵/۲، [fatwa.islamonline.net](http://fatwa.islamonline.net)

شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد، (۱۴۱۳)، مسالک الافهام، قم، معارف  
اسلامیه.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۴)، اعتقادات الامامیه، قم، کنگره شیخ مفید.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۵)، المقنع، قم، امام هادی.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت،  
دارالکتاب العربی.

عابدین، میرحسین، (۱۳۸۷) «ابعاد حقوقی ازدواج با اتباع خارجی»، مجلس و  
پژوهش، ش ۲۸.

عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح

القواعد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

قانون ازدواج افغانستان، مصوب ۱۳۵۰/۰۵/۱۷

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۲۴ آبان ۱۳۵۸ هـ.ش.

قانون تابعیت امارات اسلامی افغانستان، مصوب ۱۴۲۱ / ۰۳ / ۲۶

قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی،  
مصوب ۰۲/۰۷/۱۳۸۵، ماده واحده، سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای  
اسلامی، بخش قوانین، rc.majlis.ir

قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱

قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲

قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸ هـ.ش.

کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی  
کلانتری، علی اکبر، (۱۳۹۵)، «درنگی در ممنوعیت ازدواج مرد مسلمان با کافر غیر  
کتابی»، فقه و اصول، ش ۱۰۵.

گلپایگانی، محمد رضا، (۱۴۱۷)، هدایه العباد، قم، انتشارات دارالقرآن کریم.

مجموعه‌ی نظریه‌های مشورتی قبل از ۱۳۸۵  
پژوهش‌های فقهی و مطالعات فقهی

مروارید، علی اصغر، (۱۴۱۰)، الینابیع الفقهیه، بیروت، دارالتراث.

المصرى اليوم، «بالفيديو... على جمعه: يجوز زواج الشيعى من السنیه؛ و مصافحه الصبيان للبنات»، تاریخ مراجعه ۱۳۹۷/۴/۲، [almasryalyoum.com](http://almasryalyoum.com).

مطهرى، مرتضى، (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، قم، صدرا.

مغنيه، محمدجواد، (۱۴۲۱)، الفقه على المذاهب الخمسه، بيروت، دارالتيار الجديد.

مفيد بغدادى، محمدبن محمدبن نعمان عكبرى، (۱۴۱۳)، المقنعه، قم، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد.

موسوى بغدادى (شريف مرتضى)، على بن حسين، (۱۴۱۵)، الانتصار فى انفرادات الاماميه، قم، جامعه مدرسين.

موسوى بغدادى (شريف مرتضى)، على بن حسين، (۱۴۱۷)، مسائل الناصريات، تهران، هدى.

ميثاق بين المللى حقوق مدنى سياسى، ۱۹۶۱.

نائينى، ميرزا محمدحسين، (۱۴۱۸)، منيه الطالب، نگارش موسى نجفى خوانسارى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى.

نجفى، محمد حسن، (۱۴۰۴)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، بيروت، دار إحياء التراث العربى. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نصيرى، محمد، (۱۳۸۸)، حقوق بين الملل خصوصى، تهران، آگاه.

هاشمی شاهرودی، محمود و همکاران، (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه فارسی، قم، موسسه  
دائرةالمعارف الفقه.

وحید خراسانی، حسین، (۱۴۲۹)، توضیح المسائل، قم، انتشارات مدرسه باقرالعلوم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی